

## راهبردهای پیش روی جمهوری اسلامی در شکل‌گیری نظم امنیتی مبتنی بر همگرایی اسلامی در غرب آسیا<sup>۱</sup>

جاوید منتظران<sup>۲</sup>

### چکیده

آنچه مسلم است امروزه، منطقه‌ی غرب آسیا، نیاز مبرم به همگرایی و اتحاد در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، اجتماعی دارد، چنانچه روند جهانی شدن نیز، ملت‌های دنیا را به سمت همگرایی منطقه‌ای و جهانی کشانده است، در چنین چرخه‌ای، باید منطقه غرب آسیا بیشتر از پیش بر همگرایی و ایجاد یک نظام امنیتی مشترکانه تکیه کند. کشورهای این منطقه می‌بایستی با طراحی یک الگوی همگرایی اسلامی بر مبنای امکانات و مقتضیات روشن و قابل تعریف در جهت‌دهی به معادلات منطقه و ارتقای جایگاه بین‌المللی آن نقش محوری ایفا نمایند. در حال حاضر با وجود زمینه‌های بسیار زیاد، همکاری و همگرایی مطلوبی در میان کشورهای غرب آسیا وجود ندارد تا این روابط منجر به ایجاد یک نظام امنیت منطقه‌ای گردد و در واقع دولت‌های این منطقه، آن میزان همگرایی را ایجاد نکرده‌اند که یک جامعه امن بین خود به وجود آورند. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهای این منطقه است که خواهان دستیابی به یک نظام امنیت منطقه‌ای مبتنی بر همگرایی اسلامی در منطقه است و بدین جهت ضروری است با اعمال مدیریت راهبردی راهبردهای اثربخشی را اجرایی سازد تا به آن دست یابد، لذا هدف اصلی پژوهش بررسی ظرفیت‌های ایجاد و شکل‌گیری نظم امنیتی مبتنی بر همگرایی اسلامی در غرب آسیا و تبیین راهبردهای پیش روی جمهوری اسلامی در این راستا است که این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به آن می‌پردازد.

**کلیدواژگان:** غرب آسیا، نظم امنیتی، همگرایی اسلامی، واگرایی، عوامل همگرا

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۶؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۲/۱۸

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه صنعتی مالک اشتر تهران

## مقدمه

هاگت معتقد است کشورها به قصد اتحاد سیاسی اقتصادی و دفاعی برای ائتلاف گرد هم می آیند تا حداکثر منافع مورد نظر خود را تأمین نمایند (هاگت، ۱۳۷۵، ۳۹۴) اتحادها از مجموعه ای از منافع کشورها بروز می کند. این منافع ممکن است مکمل یا مشابه یکدیگر باشند، اما دستیابی به آنها نیازمند هماهنگی کشورها است (بیلیس و دیگران، ۱۳۷۴: ۲۴۳) معیارها و ویژگی های یک اجتماع امنیتی، هویت جمعی و سیاسی، تعاملات پایدار، وابستگی متقابل نهادهای مشترک، اعتماد متقابل، هنجارها و ایده های مشترک و عناصر ثبات داخلی هستند؛ به طوری که میزان دوام و قوام هر اجتماع امنیتی به میزان هریک از این معیارها بستگی دارد. (ونت، ۱۳۸۴: ۱۳۲-۱۳۵). لذا مهمترین دل مشغولی واحدها در سیستم بین الملل نظم امنیت منطقه ای بوده و به همین جهت اغلب الگوهای رفتاری واحدها معطوف به تأمین آن می باشد. در این راستا امنیت واحدها تحت تأثیر متغیرهای مختلفی بوده است که سطح منطقه ای از جمله سطوح تأثیرگذار بر آن در نظر گرفته می شود (قاسمی، ۱۳۸۴) بنابراین شکل گیری همگرایی اسلامی و ایجاد یک سازمان امنیتی در منطقه ی غرب آسیا، مهم تلقی می گردد.

## بیان مساله

همانگونه که همکاری در حفظ صلح و ثبات منطقه ای و ایجاد یک نظام امنیتی مبتنی بر همکاری میان کشورهای غرب آسیا، راهی مطمئن برای دفاع از منافع و مصالح مشترک دولت های این منطقه مهم و حساس جهانی است. امری که مشخص شده است، اینست که طرح های امنیتی مختلف طراحی شده از سوی قدرت های فرامنطقه ای تاکنون نتوانسته است به استقرار ثبات و امنیت در منطقه غرب آسیا کمک کند که در واقع قدرت های فرامنطقه ای همواره

برای حفظ نفوذ خود بر معادلات استراتژیک منطقه، حفظ تفوق سیاسی جهانی و تضمین دسترسی به انرژی ارزان در غرب آسیا تلاش کرده‌اند تا با دامن زدن به برخی مسائل موجود که در چارچوب روابط دوجانبه یا بین منطقه‌ای قابل حل و فصل است، پاره‌ای از مسائل درون منطقه‌ای را به سمت بحران‌ها و تنش‌های دامنه‌دار سوق دهند و زمینه استمرار نفوذ و حضور خود را فراهم کنند. در نتیجه این سیاست است که امروزه امنیت این منطقه دستخوش دگرگونی‌های فراوانی شده است. از سویی به دلیل اهمیت فراوان منطقه غرب آسیا، کشورهای این منطقه می‌بایستی با طراحی یک الگوی همگرایی اسلامی منطقه‌ای بر مبنای امکانات و مقتضیات روشن و قابل تعریف در جهت‌دهی به معادلات منطقه و ارتقای جایگاه بین‌المللی آن نقش محوری ایفا نمایند. لذا با وجود زمینه‌های بسیار زیادی که در گسترش همکاری و همگرایی اسلامی میان کشورهای غرب آسیا وجود دارد و علی‌رغم تمهیدات اعتمادسازانه‌ای که از سوی ایران در برخی دوره‌ها صورت گرفته، ولی این روابط منجر به ایجاد نظام امنیت منطقه‌ای نگردید و دولت‌های این منطقه آن میزان از همگرایی اسلامی را ایجاد نکردند که یک جامعه امن بین خود به وجود آوردند. همین امر چشم‌انداز تحقق نظام امنیتی پایدار و فراگیر منطقه‌ای در حوزه غرب آسیا را با ابهام روبه‌رو نموده است. لذا هدف این مقاله آن است که مهم‌ترین زمینه‌ها، ظرفیت‌ها و عوامل همگرایی اسلامی موثر در ایجاد نظام امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و از همین جهت پرسش اصلی پژوهش اینگونه شکل می‌گیرد که جمهوری اسلامی و یا سایر کشورهای غرب آسیا، در مسیر رسیدن به یک سازمان و نظام امنیتی مبتنی بر همگرایی اسلامی در منطقه غرب آسیا از چه راهکارها و راهبرد‌هایی می‌توانند استفاده نمایند و در همین راستا روش



پژوهش، توصیفی تحلیلی با استفاده از روش کتابخانه ای و مراجعه به منابع معتبر، کتب و مقالات معتبر است.

## ضرورت تحقیق

نسخه ای که غرب برای کشورهای منطقه غرب آسیا و جهان اسلام پیچیده است، نسخه واگرایی و تجزیه ی سرزمینی در قالب حمایت ظاهری و منافقانه از حقوق اقوام و اقلیت های مذهبی و قومی در منطقه غرب آسیا است. لذا آنچه مسلم است دنیای امروز غرب آسیا نیاز مبرم به همگرایی و اتحاد در عرصه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، اجتماعی دارد و روند جهانی شدن نیز، ملت های دنیا را به سمت همگرایی منطقه ای و جهانی کشانده است، در چنین چرخه ای، باید منطقه غرب آسیا بیشتر از پیش بر همگرایی اسلامی و ایجاد یک نظم امنیتی مشترکانه تکیه کند.

## همگرایی اسلامی در غرب آسیا

### منطقه غرب آسیا

دایره المعارف اینترنتی ویکی پدیا غرب آسیا را این گونه تعریف می کند: ((منطقه ای در آسیا است که با جنوب خاور اروپا و شمال خاور آفریقا همسایه است. ایران هم به لحاظ این تقسیمات در غرب آسیا واقع شده است. این کلمه اخیرا در ایران به عنوان جایگزینی برای خاور میانه هم بکار برده می شود.)) منطقه غرب آسیا از لحاظ تاریخی محل تلاقی تمدن ها و فرهنگ بوده و از ویژگی های منحصر به فرد تاریخی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار است. از آنجایی که این منطقه دارای اهمیت سوق الجیشی می باشد، صلح، امنیت و ثبات آن پیش شرط دستیابی به صلح، امنیت و ثبات جهانی محسوب می شود. غرب آسیا از پنج منطقه فرعی تشکیل شده است که در کل ۲۴ کشور را دربرمی گیرد: افغانستان، ارمنستان، آذربایجان، بحرین،

گرجستان، جمهوری اسلامی ایران، عراق، اردن، قزاقستان، کویت، قرقیزستان، لبنان، عمان، پاکستان، فلسطین، قطر، عربستان سعودی، سوریه، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، امارات متحده عربی، ازبکستان، و یمن. اشغال عراق و افغانستان بعد از ۱۱ سپتامبر اهمیت منطقه را نشان می‌دهد و این نکته را خاطر نشان می‌سازد که همه این کشورها باید به عنوان یک کل در نظر گرفته شوند. این منطقه وسیع غرب آسیا از یک تمدن دیرپا برخوردار است. این تمدن نیز ریشه در تمدن اسلامی و همچنین در گفتگو با تمدن‌های دیگر دارد. واژه‌های جغرافیایی دیگر مانند خاورمیانه جدید یا خاورمیانه بزرگ‌تر، نمی‌توانند منعکس کننده واقعیت منطقه باشند زیرا این مفاهیم غربی یا اروپا محور هستند. بعلاوه کشورهای غربی تمایل داشتند که خاورمیانه را جدا از قاره آسیا جلوه دهند، در حالی که بسیاری از کشورهای این منطقه از لحاظ جغرافیایی در قاره آسیا واقع شده‌اند. بنابراین، مفهوم منطقه غرب آسیا می‌تواند تمامی کشورهای منطقه و نظام‌های فرعی منطقه‌ای را در عین استقلال شان دربرگیرد. این واقعیت که منطقه خاورمیانه جدا از منطقه غرب آسیا مطالعه و بررسی می‌شود نشان دهنده این است که واژه خاورمیانه بیش از آنکه یک واژه جغرافیایی باشد یک واژه سیاسی است. (مجیدی، دهشیری، ۱۳۸۷: ۱۲، ۱۳)

### مفهوم همگرایی و واگرایی

همگرایی به لحاظ مفهومی عبارتست از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود و واگرایی در برابر آن به معنی تفکیک و جدایی از همدیگر و دور شدن آن‌ها از هدف مشترک و حرکت به سوی هدف‌های خاص است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۷۴). ارنست هاس، پایه‌گذار نظریه همگرایی، همگرایی را پروسه‌ای می‌داند



داند که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد می شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت های سیاسی شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش از اختیارات قانونی برخوردار باشند، سوق دهند (سیف زاده، ۱۳۸۸: ۱۹۱) (در مقابل واگرایی فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی و دولت ها از همدیگر دور شده و زمینه ی بحران و جنگ فراهم می شود (قوام، ۱۳۷۰: ۲۲۹). فرایند همگرایی و واگرایی در ارتباط با بازیگران سیاسی و دولت ها، از احساس و درک هدف مشترک و یا برعکس آن اهداف و منافع متعارض شروع می شود و با تداوم آن نیروهای اصلی و یا تسهیل کننده به تقویت روند کمک نموده تا فرایند را کامل نمایند. مرحله پایانی فرایندهای مزبور را یکپارچگی با پی آمدهایی چون امنیت، صلح و توسعه و یا برعکس تجزیه با پیامدهایی چون تنش، جنگ و توسعه نیافتگی تشکیل می دهد. (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۵)

### همگرایی در جهان اسلام

از زمان شکل گیری اتحادیه اروپا، دولت های اسلامی با الگوبرداری از این اتحادیه تلاش کرده اند تا در سایه نظریه های همگرایی در مسیر اتحاد و همبستگی گام بردارند. با این همه، طرح های ارائه شده برای همگرایی، توفیق چندانی به دست نیاورده است. برخی مانند شورای همکاری عرب اصولاً مرده به دنیا آمدند؛ زیرا هرگز فرصت آن را نیافتند که برای تحقق اهداف خود دست به اقدام عملی بزنند. برخی مانند جمهوری متحده عربی و فدراسیون عربی، پس از اندک زمانی متوقف گردیدند و برخی هم مانند سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، گروه دی هشت و سازمان همکاری های اقتصادی (اگو) به امید موفقیت های آینده همچنان به فعالیت های خود ادامه داده اند. شورای همکاری خلیج فارس که در اصل با هدف مقابله با جمهوری اسلامی ایران به

وجود آمد نیز نتوانست به هدف ظاهری خویش یعنی ایجاد اتحاد بین اعضای شش‌گانه خود جامه عمل بپوشاند و علی‌رغم تداوم فعالیت‌های آن، امروزه اختلافات ریشه‌ای میان برخی از اعضای آن مشاهده می‌شود. واقعیت امر این است که موانع زیادی چون استبداد داخلی، بی‌ثباتی سیاسی، ملی‌گرایی افراطی، رقابت‌های منطقه‌ای، استعمار خارجی و صهیونیسم بر سر راه همگرایی جهان اسلام وجود دارد. تعدد و پیچیدگی این موانع و درهم‌تنیدگی آن‌ها به حدی است که نظریه‌های معمول همگرایی به تنهایی قادر به مقابله با آن‌ها نیستند. موانع یادشده غالباً ریشه در رواج خرافه و جهل، دوری از هویت دینی، اختلافات قومی و مذهبی، وابستگی به قدرت‌های استعماری و خودباختگی نخبگان در برابر غرب دارد. باین حال، نقش استبداد و استعمار در ایجاد و گسترش این عوامل بازدارنده انکارناپذیر است. قدرت‌های استعماری، بعد از فروپاشی دولت عثمانی، همواره تلاش کرده‌اند تا به کمک عوامل داخلی خود، نه تنها مانع از اتحاد مجدد کشورهای اسلامی شوند بلکه آن‌ها را به اجزای کوچک‌تری نیز تقسیم کنند. بنابراین، همگرایی در جهان اسلام به مراتب دشوارتر از همگرایی در سایر مناطق دنیاست، (ولایتی، سعیدمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۷۷)

## منطقه‌گرایی و نظم امنیتی

### منطقه‌گرایی

بعد از جنگ سرد منطقه‌گرایی به عنوان یک چشم‌انداز نظم امنیتی شناخته شد. منطقه به عنوان یک واحد جغرافیایی است که از چندین کشور تشکیل شده که حدود آن براساس مرزهای فیزیکی و ویژگی‌های ایدئولوژیک تعیین می‌گردند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۲۴). در واقع برای شکل‌گیری یک نظام منطقه‌ای چندین متغیر لازم است که از مهمترین متغیرها، وضعیت جغرافیایی است.





همجواری چند کشور، مرزها، وسعت و غیره عناصر جغرافیایی هستند که براساس آنها منافع مشترک یا متضادی را برای کشورهای منطقه ایجاد می‌کند از جمله متغییر دیگر هویت است عوامل مختلف ایدئولوژیکی و سیاسی در پیدایش هویت یک منطقه نقش مهمی را ایفا می‌کند. شباهت‌ها و تضادها پیش زمینه شکل‌گیری نظام منطقه‌ای را فراهم می‌کنند. از دیگر متغییرهای تاثیرگذار بر شکل‌گیری نظام‌های منطقه‌ای نیازهای اقتصادی کشورهای یک منطقه به یکدیگر و پیوندهای فرهنگی، قومی، مذهبی و تاریخی است که در پیدایش نظام‌های منطقه‌ای نقش زیربنایی را دارند. در همین راستا لویس فاست معتقد است؛ کشورها در روند منطقه‌گرایی به دنبال قدرت و امنیت هستند. و در جهت بقای نظام خود با دیگر کشورها همکاری می‌کنند. دولت‌های نیرومند و قوی منطقه بنیان‌گذاران روند منطقه‌گرایی هستند و دولت‌های کوچک به دنبال دست‌یابی به مزایای همکاری‌های منطقه‌ای که حداقل‌ترین آن‌ها تامین ثبات و امنیت است هستند (فاست، ۱۳۸۷: ۳۰۸). بنابراین مقوله منطقه‌گرایی یا منطقه‌ای کردن همانند مقوله جهانی‌شدن مدتی است فکرها را به خود مشغول نموده و اندیشمندان و رهبران جوامع گوناگون را به اظهارنظرها و واکنش‌های متعدد واداشته است. منطقه‌گرایی عامل تقویت روابط فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و بین‌المللی در عرصه سیاست جهانی محسوب می‌شود. دولت‌ها از طریق وارد شدن در اتحادیه‌های منطقه‌ای، تا حد زیادی بستر تعادل و همکاری بین یکدیگر را به وجود می‌آورند. منطقه‌گرایی باعث می‌شود تا کشورهای یک منطقه بتوانند با قابلیت و ظرفیت بهتر در سطح جهانی ایفای نقش کنند. همچنین منطقه‌گرایی می‌تواند آفریننده بسترهای لازم برای زیرساخت‌های فیزیکی باشد که روند جهانی‌شدن آن را تکمیل می‌کند. این در حالی است که همگرایی منطقه‌ای و منطقه



گرایی ارتباط بسیار عمیقی با ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی دارد. از این رو جغرافیا و سیاست با ارتباطی منطقی می‌توانند اساس تحول در عرصه جهانی واقع شوند. همانگونه که پیش از این نیز همین گونه بوده است. مثلاً به تعبیر مویر کشور نمایانگر نقطه اوج تکامل سیاسی-جغرافیایی است (مویر، ۱۳۷۹: ۸۳) گاهی نیز در فرهنگ سیاسی فارسی اتفاق می‌افتد که دو اصطلاح "گروه بندی منطقه ای" و "همگرایی منطقه ای" برابر و یکی فرض می‌شود، در حالی که باید توجه داشت هر یک از این دو اصطلاح، بازگوکننده ی مفهوم ویژه ای است. درحالی که گروه بندی منطقه ای به معنی گرد هم آمدن شماری از کشورها در مناطق گوناگون جهان برای ایجاد یک نظام ژئوپلیتیک منطقه ای است. همگرایی منطقه ای به معنی درهم آمیزی سیاسی اقتصادی و استراتژیک کشورها در منطقه ی ویژه برای پدیدآوردن یک نظام منطقه ای یکپارچه است. بهترین مثال برای گروه بندی منطقه ای، آ.سه.آن، نفتا و برای همگرایی منطقه ای، اتحادیه اروپا است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۰۴)

## ۲-۲ امنیت منطقه ای برآمده از منطقه گرایی

اگر مفهوم «امنیت منطقه ای» را از نظر ترکیب واژگانی در نظر بگیریم، دارای دو واژه «امنیت» و «منطقه ای» است. (مورگان، ۱۳۸۰: ۴۰) هر دو واژه پیچیده است و تعریف قابل قبول مشترکی برای آنها وجود ندارد، و شاید بهترین راه برای نزدیک شدن به این موضوعات قیاس و مقایسه باشد. پس با توجه به مشکلات نظری فراوانی که درباره ی این دو واژه وجود دارد، با توجه به بررسی نظریه های موجود، فقط تعریفی منطقی می‌توان ارائه کرد که عبارت است از اینکه «امنیت منطقه ای» مجموعه ی تمام تصورات و تعبیرات از امنیت ملی است که اعضای یک نظام منطقه ای در زمانی خاص آن را به کار می



برند. بنابراین، امنیت یا ناامنی منطقه ای می‌تواند از مجموعه سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهادها و اتحادیه های جمعی به دست آید. (افتخاری، ۱۳۸۱: ۲۶۶) در اینجا، «منطقه» به عنوان مجموعه ای از دولت‌ها تعریف می‌گردد که به لحاظ جغرافیایی، در نزدیکی یکدیگر واقع شده‌اند. (زیوماز، ۱۳۷۹: ۴۷) لذا بر این اساس نظام های امنیتی عبارتند از: دفاع دسته جمعی، امنیت دسته جمعی (لورنس فریدمن، ۱۳۷۵: ۳۵۹) امنیت همنوا، امنیت فراگیر، (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۳۲۵) و امنیت مبتنی بر همکاری (جان بلیس، ۱۳۷۹: ۸۶)

### ۳- عوامل و ظرفیت های ایجاد همگرایی اسلامی و نظم امنیتی در غرب آسیا

با توجه به سختی‌ها و دشواری های موجود در مسیر همگرایی در منطقه، چنانچه بخواهیم مدلی را برای همگرایی اسلامی در غرب آسیا و بر پایه ی ایجاد نظم امنیت منطقه ای بیابیم، لازم است که پتانسیل‌ها و ظرفیت های موجود در این منطقه جهت نیل به همکاری و همگرایی در این منطقه مورد بررسی قرار گیرند. بر این اساس، عوامل بسیاری در میان کشورهای حوزه ی غرب آسیا وجود دارد که می‌توانند عامل شتاب دهنده ی همگرایی در منطقه بوده و کشورهای منطقه را به هم پیوند دهند. این عوامل همگرا کننده تحت عنوان متغیرهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در این بخش مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

#### ۱-۳-۱ عوامل سیاسی

##### ۱-۳-۱-۱ اسلام هراسی و رویارویی غرب با اسلام

رویارویی اسلام و غرب پدیده جدیدی نیست و ریشه‌های تاریخی دارد. واکنش و هراس غرب همواره از رشد و گسترش اسلام بوده است. چه به عقیده آنان از آغاز اسلام تا کنون چند مرحله غرب را به چالش کشیده

است. قرن‌های اولیه هجری، جنگ‌های صلیبی، توسعه امپراطوری عثمانی و رشد اسلام‌گرایی و ارزش‌های اسلامی در قلب اروپا و آمریکا همگی حاکی از هراس غرب از اسلام است.

در زمان کنونی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ضدیت با اسلام و اسلام‌هراسی در جوامع غربی به اوج خود رسید و این حادثه را هشدار برای تمدن غرب پنداشته و به مقابله برخواستند برای نمونه جسارت به قرآن در ماه گذشته در این چارچوب قابل تحلیل است. تحلیل محتوایی رسانه‌ها و اظهارات سیاستمداران غربی حاکی از آن است که دنیای غرب تلاش می‌کند با برجسته‌سازی اقدامات برخی افراط‌گرایان در کشورهای اسلامی، مذهب اسلام را به عنوان یک تهدید واقعی علیه تمدن غرب مطرح سازند و از این طریق با غیریت‌سازی، هویت غربی خویش را بازسازی نمایند. هر چند این نوع برخورد با مسلمانان و اسلام در جهان غرب پدیده‌ای جدید نیست، اما در حال حاضر با شدت و حدّت بیشتری روبه‌روست. هراس بنیادین غرب از جهان اسلام به دلیل رشد موج اسلام‌گرایی در غرب است که در قلب اروپا اسلام‌گرایی رو به افزایش است. بنابراین این نگرش به اسلام موجب فعال‌سازی مجدد ذهن انسان مسلمان در دوره معاصر است که با توجه به دغدغه اصالت و معاصرت در صدد حفظ هویت اسلامی خویش است. در شرایط کنونی آنچه موجب تعارضات در سطح تمدنی بین اسلام و غرب شده است، حس خود برتری‌بینی و سلطه‌جویی تمدن غرب است، زیرا غرب احساس می‌کند آخرین مدل‌های اداره یک زندگی سعادت‌مندانه را کشف نموده، به طوری که از قابلیت‌های مؤثری در اداره جهان برخوردار است. (خراسانی، ۱۳۸۹: ۶۵-۷۸) در مجموع میتوان گفت که اسلام‌هراسی و رویارویی و ضدیت غرب با اسلام، خود میتواند یک عامل مهم در ایجاد وحدت و



انسجام میان مسلمانان باشد. جایی که غیر مسلمانان با ایجاد اسلام هراسی درصندند که مانع از گسترش اسلام گردند و سبک و دیدگاه خود را برای زندگی ترویج می دهند، مسلمان میتواند با وحدت میان خود، اسلام و سبک زندگی اسلامی را در جهان گسترش دهند و این جز با ایجاد یک همگرایی اسلامی میان کشورهای مسلمان میسر نیست.

### ۲-۱-۳-۱-مسأله ی فلسطین

با اشغال سرزمین فلسطین از سوی اسرائیل و شکل گیری صهیونیسم سیاسی، فصل جدیدی در اندیشه ی سیاسی اسلام معاصر و در روابط جهان اسلام و بیت المقدس گشوده شد. دولت های عربی در مواجهه با قضیه ی فلسطین ابتدا این وضعیت را مشکل اعراب تفسیر کردند (مسجدجامعی، ۱۳۶۹: ۱۰۱) اما جمهوری اسلامی ایران و جنبش های اسلامی مبارز فلسطینی همچون حماس و جهاد اسلامی و سایر گروه های هم سو در جهان اسلام، این مسأله را نه منحصر به اعراب، بلکه فراتر از آن، مشکل جهان اسلام قلمداد کردند. از این رو چیزی که واضح است، وجود خصومت ذاتی و تاریخی بین کشورهای مسلمان می باشد. (ابراهیمی فر، ۱۳۸۱: ۱۵۵) لذا رژیم صهیونیستی و رفتارهای خصمانه ی این رژیم نسبت به مسلمانان، و اشغال گری های جنگ های آن با مسلمان منطقه همراه با ظلم ها و جنایت های آن در حق مردم مظلوم مسلمان فلسطین و تعدی آن به دومین قبله گاه مسلمانان (قدس شریف) میتواند عاملی مهم در ایجاد همگرایی در جهان اسلام و غرب آسیا باشد.

### ۲-۳-۱-عوامل فرهنگی

#### ۱-۲-۳-۱-دین اسلام

دین اسلام و ارزش های نشأت گرفته از آن، مهم ترین عامل همگرایی در



میان کشورهای منطقه محسوب می‌شود. دین و معیارهای ارزشی و بایدها و نبایدهای مذهبی در بین کشورهای منطقه، القاگر این واقعیت است که در حوزه ی خلیج فارس، یک ملت زندگی می‌کند. جهانی‌بینی و ایدئولوژی اسلامی، دیدگاهی را برای ملت های منطقه به ارمغان آورده است که بر مبنای آن، دوستی یا خصومت با ارزش های اسلامی، مرز شناخت دوست از دشمن به حساب آمده و ملت های منطقه، دشمنان اسلام را دشمنان استقلال سیاسی -فرهنگی خود می‌دانند (صادقی، ۱۳۷۵: ۱۷۹)

اسلام آشکارا یک مذهب عام است و سعی در جذب همه ی نژادها و مردمان دارد. نقش همبسته سازی اسلام از این جهت است که عملاً تمام جنبه های زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با تجویز دستورات اخلاقی تمامی مسلمانان را بدون توجه به نژاد یا زبان، به صورت یک جامعه ی معنوی متحد در می‌آورد. (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۳۰۹)

بر این اساس گرچه مذاهب گوناگونی در کشورهای اسلامی وجود دارند، اما تمامی این مذاهب به منبع دین اسلام باز می‌گردند. اسلام از ویژگی های منطقه غرب آسیا می‌باشد و تمامی کشورهای منطقه، اسلام را به عنوان دین رسمی خود پذیرفته اند. لذا این عامل یکی از اصلیتزین عوامل ایجاد همگرایی در غرب آسیا است و کشورهای غرب آسیا میتوانند از آن برای ایجاد یک همگرایی اسلامی و تشکیل نظام امنیتی مطلوب استفاده نمایند.

## ۲-۲-۳-۱ پیوندهای تاریخی و جغرافیایی

پیوندهای تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی که کشورهای حوزه ی غرب آسیا را به یکدیگر متصل مینمایند، متعددند.. حضور تلخ استعمار نیز در این کشورها و مبارزات آنها با قدرتهای استعماری اروپا، تاریخ نسبتاً مشترکی را به این کشورها بخشیده است. از سوی دیگر، موقعیت جغرافیایی غرب آسیا



و نزدیکی سیاسی اقتصادی فرهنگی کشورهای این حوزه به همدیگر باعث گردیده که سرنوشت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی این کشورها به نوعی به یکدیگر پیوند داشته باشد. این نزدیکی کشورهای منطقه به هم، به طور بالقوه زمینه ساز همکاری های بسیاری می‌باشد. و میتواند به عنوان یک عامل همگرا عمل نماید. لذا عامل پیوند های تاریخی و جغرافیایی میتواند عاملی برای ترغیب و تشویق کشورها منطقه به ایجاد یک نظم امنیتی مبتنی بر همگرایی اسلامی باشد.

### ۱-۳-۳ عوامل اقتصادی

#### ۱-۳-۳-۱ اقتصاد تک محصولی

با توجه به اینکه نفت و گاز به عنوان بزرگ ترین منبع تحصیل ارز برای کشورهای حوزه ی غرب آسیا، اصلی ترین منبع درآمد دولت های منطقه را تشکیل می‌دهد، بنابراین لازم است تا سیاست های انرژی هماهنگی از سوی کشورهای حوزه ی غرب آسیا در قبال کشورهای صنعتی، جهت افزایش قیمت نفت و حفظ میزان آن اتخاذ گردد. بنابراین این عامل میتواند نقشی اساسی در ایجاد یک همگرایی اسلامی در حوزه اقتصادی میان کشورهای منطقه غرب آسیا که از عمده ترین تولید کنندگان انرژی در جهان محسوب میگردند. ایفا نماید.

#### ۲-۳-۳-۱ بحران آب

در قرن حاضر آب به سرمایه استراتژیک ارزنده و حیاتیتر از نفت تبدیل شده است. پیش‌بینی‌های هشدار دهنده زیادی صورت گرفته است. کمبود آب در خاورمیانه افزایش یافته و درگیری بر سر توزیع آب احتمالاً به نزاع مسلحانه منجر خواهد شد. آب که تصفیه آن دشوار، انتقال آن پرهزینه و جایگزین کردن آن ناممکن است، یگانه عنصری است که وجود آن برای تولید مواد غذایی،

توسعه اقتصادی و بقای حیات ضروری است (صادق، ۱۳۷۶: ۲۰۰).

در این راستا رودخانه های بین المللی خاورمیانه حوزه های اصلی تنش بحساب می آیند. عدم تقارن قدرت سیاسی در بین کشورهای یک حوضه مشترک، نقش زیادی در مناسبات بین کشورهای حوضه دارد. (Warner and Zeitoun, ۲۰۰۸: ۸۰۵-۸۰۶) بنابراین مناطق مهم حوزه های رودخانه ای در خاورمیانه رود اردن (بیتانی)، رودخانه های دجله و فرات، رود نیل و حوزه خلیج فارس است که نمایانگر جنبه های مختلفی از بحران آب در این منطقه هستند. و از این جهت مسأله مدیریت منابع آب و تخصیص آن در طرح های استراتژیک خاورمیانه می تواند راه حل این بحران باشد، لذا کشورهای غرب آسیا میتوانند از این بحران استفاده نمایند و یک همگرایی سیاسی مناسب را در حل آن ایجاد نمایند.

### ۳-۳-۱ همکاری های مشترک در حوزه اقتصاد گردشگری

یکی از زمینه های مشترک همکاری اقتصادی بین کشورهای غرب آسیا، سرمایه گذاری و فراهم کردن بستر های لازم برای ورود گردشگران، به ویژه گردشگران مذهبی و تفریحی بین این کشورهاست. درحقیقت، گردشگری عاملی مؤثر در تعامل فرهنگ ها، گفت و گوی تمدن ها و برقراری انس و الفت بین ملت هاست و توجه به این امر، زمینه همگرایی میان کشورهای حوزه غرب آسیا را فراهم می آورد. منطقه غرب آسیا از نظر گردشگری، خاستگاه تمدن بزرگ خاور باستان با پیشینه چند هزار ساله است. این منطقه، به دلیل داشتن بنادر و جزایر متعدد و گاهی منحصر به فرد، سواحل مرجانی زیبا، اسکله های تفریحی، گونه های متنوع گیاهان و نژاد های گوناگون و همچنین به دلیل وجود آثار تاریخی و مذهبی، مانند خانه خدا، آرامگاه امامان معصوم و پیامبران، مرکز مهم گردشگری در جهان محسوب می شود. به عنوان مثال، عربستان سعودی، سالیانه پذیرای ۲۲ میلیون زائر از کشورهای مختلف



اسلامی است. همچنین در کشور عراق، سالانه میلیون‌ها نفر زائر داخلی و خارجی برای زیارت آرامگاه معصومین به این کشور سفر می‌کنند. همچنین وجود پتانسیل‌ها و جاذبه‌های گردشگری و متنوع بودن آب و هوا و وجود آب و هوای گرم و خشک در کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس، نشان دهنده مکمل بودن صنعت این کشورهاست (اردکانی، ۱۳۹۱) بنابراین اقتصاد گردشگری می‌تواند نقشی اساسی در ایجاد و شکل‌گیری همگرایی اسلامی ایفا نماید. بدین جهت میتوان بیان داشت که ظرفیت‌ها و جاذبه‌های طبیعی، مصنوعی و مذهبی و ... در غرب آسیا و ایجاد یک گردشگری اسلامی در این منطقه، میتواند یک عامل مهم همگرایی و همکاری در میان کشورهای اسلامی منطقه برای کسب درآمدهای هنگفت ناشی از گردشگری باشد.

#### ۴-۳-۳-۱ همکاری‌های زیست محیطی

خلیج فارس از نظر اکولوژیکی و زیست محیطی، یک اکوسیستم محسوب می‌شود به طوری که هرگونه تغییر و دگرگونی و یا دخل و تصرف در هر یک از عناصر آن، اعم از جانوری، نباتی، فیزیکی و آبیان، کل سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اخلال در اکوسیستم خلیج فارس به زیان تمامی کشورهای ساحلی بوده و این کشورها را در معرض تهدید جدی زیست محیطی قرار می‌دهد (صادقی، ۱۳۷۵: ۱۷۷). بنابراین تهدیدات زیست محیطی حوزه غرب آسیا و تلاش برای رفع این تهدیدات و توافق و اجماع نظر میان کشورهای این حوزه بر سر موضوعات زیست محیطی، میتواند در همگرایی و همکاری کشورهای منطقه تاثیر بسزایی بگذارد.

#### ۵-۳-۳-۱ امور مربوط به انرژی نفت و گاز منطقه

تمایل به همکاری در زمینه نفت و گاز، به ویژه در کشورهایی که همگی صادرکننده یک نوع ماده خام هستند، بیشتر است؛ چرا که همکاری نکردن



آن‌ها و شکاف در اتحاد فروشندگان در مقابل خریداران، بازار فروش آن‌ها را متزلزل می‌کند و موجب کاهش قیمت‌ها می‌شود؛ در صورتی که همکاری بین فروشندگان، موجب کنترل بازار و جلوگیری از کاهش قیمت نفت خواهد شد. از این نظر، بین کشور های حوزه خلیج فارس، زمینه مساعدی برای هماهنگ کردن عرضه، کنترل بازار، هماهنگی در زمینه صنعت نفت، همکاری برای تأمین امنیت صدور نفت و اجرای پروژه های انتقال نفت و گاز وجود دارد (احمدیان: ۱۷۳) بنابراین حوزه ی انرژی و همکاری های بر آمده از آن نیز میتواند عاملی مهم در ایجاد یک همگرایی اسلامی در منطقه باشد.

### نتیجه گیری

با توجه به موقعیت منطقه غرب آسیا که محیطی پرتلاطم و پرشتاب از نظر تحولات سیاسی اجتماعی و امنیتی دارد، بدین جهت با توجه به فواید یک نظام مبتنی بر امنیت منطقه ای که بیان گشت، چنانچه جمهوری اسلامی ایران خواهان دستیابی به یک نظم امنیت منطقه ای در غرب آسیا و همگرایی اسلامی است، ضروری است با اعمال مدیریت راهبردی نسبت به محیط داخلی و خارجی، راهبردهای اثربخش زیر را اجرایی سازد تا به هدف مورد نظر خود دست یابد .

۱. اولین نقطه شروع گسترش شبکه‌های ارتباطی، حمل و نقل و انرژی بین طرفین یا از طریق آنها به سایر مناطق می‌باشد. به دلیل حساسیت شبکه در چرخه جهانی قدرت و مداخله قدرت خارجی در آن، نوعی عدم تعادل استراتژیک در این شبکه شکل گرفته است. بنابراین ایجاد تعادل استراتژیک دومین سمت‌گیری سیاست‌گذاری در این شبکه را تشکیل می‌دهد در این راستا به نظر می‌رسد ضمن توجه به سیاست

اول بایستی اعتمادسازی و ائتلاف‌سازی در دستور کار دیپلماسی منطقه‌ای قرار گیرد. در این راستا تمرکز بر ایجاد رژیم‌های بین‌المللی منطقه‌ای از نوع غیر سیاسی و چارچوب‌ساز بدون ورود به مرحله عملیاتی می‌تواند مفید باشد.

۲. توجه به موقعیت منطقه آسیای جنوب غربی و مطامع قدرت‌های بیگانه در این منطقه که همواره در ضدیت با اهداف، منافع و موقعیت ایران بوده، لازم است دستگاه سیاست خارجی کشور ساختار مشخص و مستقلی برای جلوگیری از نفوذ و تأثیرگذاری قدرت‌های فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا در اختیار داشته باشد.

۳. جمهوری اسلامی ایران می‌بایست رویکرد رقابتی، محافظه‌کارانه و تعاملی با حداکثر بهره‌برداری از فرصت‌ها را اتخاذ نماید، ضعف‌های محیط داخلی را از بین ببرد و تهدیدهای محیط خارجی را خنثی نماید. بدیهی است از نقاط قوت نیز می‌بایست بهره‌برداری بهینه به عمل آید و تا آنجا که ممکن است باید با نقاط قوت، نقاط ضعف را پوشش داد و از فرصت‌های موجود در منطقه، به ویژه فرصت‌های برآمده از کنفرانس‌ها و اجلاس‌های اسلامی و منطقه‌ای استفاده راهبردی نمود. شرکت فعال و استفاده بهینه از سازمانهای منطقه‌ای نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، غیر متعهدها، اوپک و ... می‌تواند زمینه‌های همگرایی بیشتر را در میان اعضا فراهم آورد.

۴. تقویت همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه امنیتی بین کشورهای شبکه بویژه بین کشورهای همجوار به منظور کاهش نقش منفی پایگاه‌سازی مداخله‌گر و یا محدود ساختن قدرت مانور آن.

۵. امنیت سنتی در قالب بهره‌گیری از ابزارهای استراتژیک بایستی با

امنیت همیارانه جایگزین شود در این حالت مشارکت واحدها در قالب همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی و هنجاری مورد توجه قرار می‌گیرد، این نوع همکاری می‌تواند به‌عنوان بخشی از تلاش‌های نرم‌افزاری برای ایجاد یک نظام امنیتی معتمدانه مورد توجه باشد.

۶. پررنگ نمودن نقش مبارزه گر با تروریسم در میان همسایگان: ترس از تروریسم داعشی باعث شده تا کشورهای شمالی ایران از قفقاز گرفته تا ماوراءالنهر و افغانستان و با وحشت از نفوذ افراط‌گرایی سعی در توسل به قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای کنند. در این میان ایران با عملکرد مناسب در تقابل با داعش، می‌تواند مستمسک خوبی برای این کشورها باشد که در عین حال حوزه مانور و تاثیرگذاری کشور را در ایجاد یک نظام امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا را افزایش خواهد داد.

۷. اعتماد سازی و خنثی سازی تبلیغات کاذب: وقوع انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و تبلیغات سوئی که توسط قدرتهای جهانی و صهیونیسم بر علیه جمهوری اسلامی داشته، فضائی از بی اعتمادی و بدبینی را در میان سران بسیاری از کشورهای خلیج فارس نسبت به جمهوری اسلامی به وجود آورده است. از راهکارهای اساسی و همیشگی در این زمینه سیاست تنش زدایی و خنثی سازی این جو تبلیغاتی کاذب می‌باشد؛ فرایند اعتماد سازی در برگیرنده ارائه برخی مفاهیم مشترک در موضوعات منطقه‌ای است و مهمترین هدف اعتماد سازی، کاهش و زدودن سوء تفاهمات میان دولت‌های منطقه است و می‌تواند شامل اقدامات رفع تهدیدهای سیاسی و نظامی، کاهش بحران و منازعات و اختلافات فیما بین از طریق گفتگو، ارتباط مستقیم و مذاکرات دو چند جانبه، تبادل نظر مداوم



و سیستماتیک، تبادل داوطلبانه اطلاعات و وسایل گوناگون برای درک دیدگاه‌ها و نیازهای یکدیگر و ... می‌گردد .

۸. از بین بردن عوامل واگرا: از سوی دیگر مهمترین پیش شرط همگرایی از میان بردن عوامل واگرا است؛ بر این اساس ابتدا باید هرگونه نفوذ دولت‌های خارجی را در منطقه بی اعتبار کرد. به این منظور باید اولاً دست به تبلیغات فرهنگی زد و به عبارت دیگر کشورهای غرب آسیا که اکثراً مسلمان هستند را تشویق به بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی نمود.

۹. توسعه روابط اقتصادی در حوزه های گردشگری و اقتصادی ...: راهکارهای اجرایی برای توسعه روابط اقتصادی، توافق نامه های دوجانبه و چند جانبه تجاری، سرمایه گذاری مشترک در صنایع فولاد، پتروشیمی، پالایشگاه، آب و برق و هتل سازی ایجاد منطقه آزاد بازرگانی و... از جمله راهکارهای اقتصادی است که زمینه های مشترک همکاری و همگرایی را فراهم می آورد. به این ترتیب با گره خوردن منافع اقتصادی کشورهای غرب آسیا، صلح، امنیت، دوستی و همکاری حاکم خواهد شد و دیگر نیازی به صرف حجم هنگفتی از ثروت ملل مسلمان منطقه برای بالابردن ضریب امنیتی و خرید سلاح از قدرت های ایجادکننده زمینه های توهم ناامنی، نخواهد بود.

## منابع:

- احمدی پور، زهرا و قادری حاجت، مصطفی (۱۳۸۹). تبیین ژئوپلیتیکی شکل گیری سازمان منطقه ای آسیای مرکزی خزر با محوریت ایران، مجموعه مقالات دومین همایش بازنگري روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی ۴ و ۵ آبان ۱۳۸۹ دانشگاه فردوسی مشهد
- زهرا احمدی پور، مصطفی قادری حاجت، حسین مختاری هشی: تحلیل ژئوپلیتیکی فرصت ها و چالش های همگرایی در منطقه غرب آسیا، جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای (دو فصلنامه) سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳)، نقش سازمان های منطقه ای در پایداری امنیت کشورهای عضو، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی. سال نوزدهم، شماره پنجم و ششم، بهمن و اسفند ۱۳۸۳ تهران.
- احمد حیدری عبدی، "اتحادیه منطقه ای خلیج فارس؛ موانع و مشکلات شکل گیری"، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۱۴۶-۱۴۵، مهر و آبان ۱۳۷۸.
- ابراهیم متقی، "شاخص ها و چالش های الگوی امنیتی یک قطبی در خلیج فارس"، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۰ تابستان ۱۳۷۵
- افتخاری اصغر، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران، پژوهشکده ی مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱
- الهی، همایون، خلیج فارس و مسایل آن، سال ۱۳۷۸ نشر قومس
- افشین نیا، شیرین، استراتژی همگرایی منطقه ای برای توسعه پیشنهاد و نقش سازمانهای بین منطقه ای در نظام بین الملل کشورهای خاورمیانه و ایران به عنوان پژوهش موردی چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ۱۳۹۴
- باری بوزان، مردم دولت ها و هراس، ترجمه ی پژوهشکده ی مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده ی مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸
- بلیس، جان؛ امنیت بین الملل در عصر پس از جنگ سرد، ترجمه ی حسین مجدی نجم، تهران، سپاه پاسداران، دوره ی عالی جنگ، ۱۳۷۹
- بلیس، جان و دیگران (۱۳۷۴): استراتژی معاصر؛ نظریات و خط مشی ها، ترجمه ی: هوشمند میرفخرایی، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- جعفری ولدانی اصغر، (۱۳۸۸)، چالش ها و منازعات در خاورمیانه، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی

- حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی، مراد (۱۳۸۳)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پایلی.
- خراسانی، رضا؛ مواجهه غرب و اسلام سیاسی در دوره‌ی معاصر (چیستی و چرایی آن) نشریه علوم سیاسی باقرالعلوم بهار ۱۳۸۹ - شماره ۴۹
- دولتیار، مصطفی، رژیم حقوقی تنگه‌های بین‌المللی با تأکید بر مسایل حقوقی تنگه هرمز، انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۷۲
- رزماری، هالیس، امنیت خلیج فارس، ترجمه‌ی حاکم قاسمی، تهران، دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۲
- زیو ماز، امنیت منطقه‌ای، ترجمه‌ی داود علمایی، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۷۹
- زارعی، بهادر، «جغرافیای سیاسی خلیج فارس»، رسالت، ۴ شهریورماه ۱۳۷۸
- ستوده، محمد: ۱۳۸۵: تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۶۸)، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران: نشر سفیر.
- شهری، محمدرضا، عوامل همگرایی و واگرایی در منطقه خلیج فارس کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی ۱۳۹۲ محل انتشار: اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا
- صادقی، سید شمس‌الدین. (۱۳۸۵) اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره ۱۰. هیدرولیک و بحران آب «شماره ۱۱۵-۱۱۶»
- عبدالله خانی، علی، نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر، ۱۳۸۳
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: نشر قومس
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴): ساخت ژئوپلیتیکی سیستم نوین بین‌الملل و استراتژی نظامی، امنیتی ایالات متحده آمریکا، فصلنامه ژئوپلیتیک
- کاظمی سید علی اصغر، نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل تهران انتشارات قومس چاپ اول سال ۱۳۷۰
- لورنس فریدمن، گزیده‌ی مقالات سیاسی - امنیتی، مفهوم امنیت، ترجمه‌ی مؤسسه‌ی پژوهش‌های اجتماعی، تهران، بینش، ۱۳۷۵

- لواء فیلی رودباری، کویت (کتاب سبز)، انتشارات وزارت خارجه سال ۱۳۷۵
- مجتهدزاده، پیروز "امنیت منطقه ای در خلیج فارس"، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۱۴۶-۱۴۵ مهر و آبان ۱۳۷۸.
- مجتهدزاده پیروز، (۱۳۸۴)، «امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس»، دفتر مطالعات وزارت خارجه، ششمین سمینار خلیج فارس
- متقی، ابراهیم، (پائیز ۱۳۸۵)، «انعطاف پذیری مشروط در همکاری های هسته ای ایران»، روزنامه همشهری
- محمدی، منوچهر، (۱۳۷۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران نشر دادگستر
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نوبر جغرافیای سیاسی، ترجمه در همیر حیدر با همکاری سیدیحیی رحیم صفوی، تهران انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- مجیدی، محمد رضا؛ دهشیری، محمد رضا، رهاورد غرب آسیا برای مفهوم امنیت انسانی، مجله مطالعات راهبردی پاییز ۱۳۸۷ - شماره ۴۱
- مورگان پاتریک ام، نظم های منطقه ای امنیت سازی در جهان نوین، ترجمه ی سید جلال دهقانی، تهران، پژوهشکده ی مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰
- ناصر تکمیل همایون، مسایل خلیج فارس ناشر: دفتر پژوهشهای فرهنگی - ۱۳۸۳
- ولایتی، علی اکبر؛ سعید محمدی، رضا؛ تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام؛ مجله دانش سیاسی، سال ششم، شماره اول بهار و تابستان ۱۳۸۹
- هاگت، پیتر (۱۳۷۵)، جغرافیای ترکیبی نو، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، تهران: سمت
- Warner, Jeroen F. and Zeitoun, Mark (2008), International relations theory and water do mix: A response to Furlong's troubled waters, hydro hegemony and international water relations. Political Geography 27 (2008), PP 802-810.





## Strategies for the Islamic Republic of Iran in the Formation of a Security Order Based on Islamic Convergence in West Asia<sup>1</sup>

Javid Montazeran<sup>2</sup>

### Abstract

What is certain today is that the West Asia region has a pressing need for convergence and unity in the economic, political, cultural, and social spheres, as the globalization process has pushed the nations of the world towards regional and global convergence. In such a cycle, the West Asia region must rely more heavily on convergence and the establishment of a common security system. The countries of this region should play a central role in designing an Islamic convergence pattern based on clear and meaningful conditions and requirements in orienting the regional equations and promoting their international status. In spite of many common areas, there is currently not much favorable co-operation and convergence among West Asian countries which lead to the creation of a regional security system. In fact, the governments of this region did not create the degree of convergence that a secure society be created among themselves. Considering that the Islamic Republic of Iran is one of the countries in this region that seeks to achieve a regional security system based on Islamic convergence in the region, it is necessary to implement strategic strategies to achieve effective strategies. Therefore, the main

1. Date received: 2017/04/15    Date accepted: 2017/05/8

2. M.A International Relations, Malek Ashtar University



objective of this study is to investigate the capacities of establishing and formation a security order based on Islamic convergence in West Asia, and to clarify the strategies of the Islamic Republic in this regard by conducting a descriptive-analytical method.

**Keywords:** West Asia, security order, Islamic convergence, divergence, convergent factors

